




تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد سه‌گانه نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام

- مریم مقیمی  دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
- هادی خانیکی * استاد علوم ارتباطات دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- سید علی اصغر سلطانی  دانشیار زبان شناسی همگانی دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

چکیده

مقاله پیش‌رو با هدف تحلیل گفتمان انتقادی و شناسایی ابعاد و نشانه‌های نفرت پراکنی زنان علیه زنان در صفحات کاربران زن در شبکه اینستاگرام به نگارش درآمده است و از دریچه پرداخت به ابعاد نفرت پراکنی به مفهوم مرکزی نفرت پراکنی دست یابیم. به دیگر بیان مسئله اصلی مقاله حاضر این است مؤلفه‌های اصلی نفرت پراکنی در متن‌های کاربران زن کدام‌اند؟ چه گفتمان‌هایی بر محتواهای منتشر شده زنان در اینستاگرام حاکم است؟ بر این اساس با رجوع به آراء گلیردونه در زمینه مقابله با نفرت پراکنی اینترنتی، به تحلیل گفتمان انتقادی صفحات چهار کاربر زن فعال در حوزه زنان پرداخته شد. به این منظور با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تون ای. ون‌دایک، فرم کار ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد که تحلیل و بررسی پست‌های بررسی شده حاکی از سه نوع خشونت است: علیه تبعیض و نظام مردسالاری، علیه نهاد خانواده و نقش سنتی زنان و در نهایت رستگاری به سمت ارزش‌های فمینیستی و مدرن از دریچه تخریب و علیه ارزش‌های سنتی و تلاش برای شکستن قفس سنت‌ها. در برآیند کلی مطالعه گفتمانی صفحات مورد بررسی، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع پست‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. زن باید در جامعه حضور داشته باشد. حضور زن در جامعه منتج به آگاهی زنانه شده، برابری جنسیتی رخ خواهد داد. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان، دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است

که اغلب در قالب هویت‌هایی تحجر و نگاه مردسالارانه، ضدانسانیت، اختلالات جنسی، چندهمسری، تبعیض تاریخی و... نمایان می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، مردسالاری، زنان علیه زنان، اینستاگرام، نفرت پراکنی.

مقدمه

نفرت‌آفرینی نقض هرگونه آزادی بیان، حقوق افراد و گروه‌ها، حقوق اقلیت‌ها و همچنین مفاهیم کرامت، آزادی و برابری است. در قوانین ملی و بین‌المللی، نفرت‌پراکنی سخنی است که تحریک به آسیب رساندن به دیگری یا طرح بیانی حاوی تبعیض، تعصب یا خشونت است و یا از آن حمایت می‌کند و هدف آن گروهی اجتماعی یا جمعیتی خاص بوده و سخنانی است که از اقدامات خشونت‌آمیز حمایت می‌کند یا به بروز این‌گونه اقدامات تهدید یا تشویق می‌کند. البته نفرت‌پراکنی فقط به این موارد محدود نمی‌شود. به نظر برخی، مفهوم نفرت‌پراکنی به اظهاراتی بسط داده می‌شود که تقویت‌کننده فضای تعصب و نبود وامداری است که بر اساس این فرض که این تعصب‌ها ممکن است سبب تشدید حملات خشونت‌آمیز، خصومت و تبعیض هدفمند شود (گلیردونه و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱).

یکی از مضامینی که در فضای مجازی مطرح است، «نفرت‌انگیزی‌های اینترنتی» است. نفرت‌انگیزی پدیده‌ای نوظهور است. یکی از شبکه‌های اجتماعی محبوب در میان کاربران ایرانی و دنبال‌کنندگان که در آن به تعامل می‌پردازند، اینستاگرام است. اینستاگرام به‌عنوان شبکه دوسویه‌ای است که در آن عکس ویدیو به اشتراک گذاشته می‌شود و هم به‌عنوان فضای تعامل در نزد کاربران شناخته شده است. محبوبیت اینستاگرام میان کاربران ایرانی علی‌الخصوص زنان رو به افزایش است. (بیچرانلو همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴). از این حیث مطالعه اخیر متمرکز بر این مسئله است.

از آنجا که اینستاگرام نزدیک به یک دهه است که فعالیت می‌کند و دارای یک پلتفرم کاربر پسند است، در تمام دنیا به شکل چشمگیری موردعلاقه کاربران قرار گرفته است و تعداد کاربران اینستاگرام دائماً در حال رشد می‌باشد. بنابر اعلام سایت استاتیستا، در سال ۲۰۲۰ اینستاگرام یک میلیارد کاربر فعال در ماه دارد. استوری اینستاگرام یکی از عوامل محبوبیت اینستاگرام به شمار می‌آید که روزانه ۵۰۰ میلیون نفر از آن استفاده می‌کنند. بیشترین تعداد کاربران در ایالات متحده آمریکا، با ۱۱۰ میلیون کاربر است. در رتبه‌های

بعدی، برزیل با ۶۶ میلیون کاربر و هند با ۶۴ میلیون کاربر قرار دارند. ایران با ۲۴ میلیون کاربر فعال در رتبه هشتم جهان بعد از ژاپن و قبل از انگلستان قرار دارد (<https://www.statista.com>) به تاریخ سوم دی ماه ۱۳۹۹).

بنابراین با توجه به اینکه اینستاگرام بعد از تلگرام محبوب‌ترین شبکه اجتماعی در ایران است، تصور می‌شود تعداد کاربران ایرانی اینستاگرام به بیش از ۳۰ میلیون نفر رسیده باشد (حسنی و کلانتری، ۱۳۹۶: ۳۵).

مطالعه شبکه اجتماعی اینستاگرام از این جهت مهم است که شبکه اجتماعی اینستاگرام دارای ابعاد مثبت و منفی است. ابعاد مثبت آن شامل، فضایی است برای ارتباطات فرهنگی، تبادل فرهنگی، شناخت خود از دیگران، عرضه کردن محصولات و تبلیغات درحالی که بعد منفی آن ایجاد فضایی است، برای نمایش، رقابت، چشم‌وهم‌چشمی، نفرت‌انگیزی، خشونت، تبعیض و تعصب علیه دیگران و به خصوص زنان ایجاد شده است.

از این جهت مطالعه در حوزه نفرت‌انگیزی علیه زنان جدی است که زنان در دنیای واقعی بسیار مورد خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند و این خشونت و تبعیض در دنیای واقعی به فضای مجازی نیز منتقل می‌شود. پتانسیل‌های موجود در اینستاگرام فضای گفتمان‌هایی را فراهم می‌کند که به ضرر گروه‌های خاصی از مردم به خصوص زنان است. نمونه‌هایی از این گفتگوها شامل قلدری، محتوای توهین‌آمیز و سخنان نفرت‌پراکن است. این گفتمان‌های متنفرانه به سرعت به عنوان یک مشکل جدی شناخته شد. مقامات برخی کشورها شبکه‌های اجتماعی را فضایی برای بحث‌های التهابی که معمولاً «ما» را در برابر «آن‌ها»، قرار می‌دهد، تشخیص دادند. امری که در بسیاری موارد زبان توهین‌آمیز ایجاد می‌کند (Mondal, 2018: 112).

سخن گفتن از نفرت در ارتباطات اجتماعی یک حوزه پژوهشی فعال بوده است (Delgado & Stefancic, 2004). شبکه‌های اجتماعی مجازی برای پایان رساندن خشونت در فضای مجازی از سیاست‌های خاصی، در این فضا استفاده می‌کنند، اینستاگرام نیز از این امر مستثنی نیست و مقابله با نفرت‌انگیزی را در دستور کارش قرار گرفته داده است. در

دنیای مجازی و شبکه اجتماعی اینستاگرام خشونت و تبعیض اشاعه می‌یابد و گویی فضای مجازی عرصه‌ای برای تقابل‌های خشونت و تعصب زنان بر علیه زنان شده است. بنابر آنچه بیان شد هدف اصلی تحقیق حاضر تحلیل گفتمان انتقادی و شناسایی ابعاد و نشانه‌های نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان در صفحات کاربران زن در شبکه اینستاگرام به نگرارش درآمده است و از دریچه پرداخت به ابعاد نفرت‌پراکنی به مفهوم مرکزی نفرت‌پراکنی دست‌یابیم. به دیگر بیان مسئله اصلی پژوهش حاضر این است مؤلفه‌های اصلی نفرت‌پراکنی در متن‌های کاربران زن کدام‌اند؟ چه گفتمان‌هایی بر محتواهای منتشرشده زنان در اینستاگرام حاکم است؟

۲. پیشینه تحقیق

مژده کیانی (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان هویت جنسیتی کاربران شبکه‌های اجتماعی؛ تحلیل گفتمان کامنت‌های کاربران شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام انجام داده است. این تحقیق با هدف تحلیل واقعیت و بازنمایی هویت جنسیتی کاربران فضای مجازی با استفاده از روش کیفی تحلیل گفتمان بر اساس مدل فیسک به تحلیل سطوح هویت جنسیتی کاربران پرداخته است. روش نمونه‌گیری هدفمند بود. نمونه تحلیل، پست و کامنت‌های کاربران زن و مرد شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از آبان تا اسفند ماه سال ۱۳۹۶ بود. پست و کامنت‌های ۳۰۰ کاربر زن و مرد با روش‌های رایج در تحلیل گفتمان بررسی شده است. تحلیل پست و کامنت‌های کاربران نشان داد که کاربران زن، کامنت‌های بیشتری به ثبت رسانده‌اند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مردان پست‌های بیشتری ثبت می‌کنند. نتایج به تقویت این مفهوم که «زنان در شبکه‌های اجتماعی آنلاین، بیشتر حمایت و تأیید می‌کنند» منجر شد. نتایج این مطالعه نشان داد که زنان به اشتراک موضوع‌های شخصی‌تر تمایل دارند و مردان بیشتر متمایل به مسائل کمتر شخصی هستند. گفتمان مسلط در این مطالعه «ماندگاری زنان در گفتمان سنتی حمایتی - تأییدی نسبت به مردان» است.

جعفری و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان تحلیل محتوای پیام‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در کانال‌های تلگرامی استان اردبیل انجام داده‌اند. تحقیق آنان با استفاده از روش

تحلیل محتوا انجام گرفته است و مبنای تعیین مضامین و مقوله‌های پژوهش نیز مطالعه اکتشافی پیام‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در کانال‌های تلگرامی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کانال‌های تلگرامی استان اردبیل بود که پس از غربالگری‌های اولیه، تعداد بیست کانال که حاوی مضامین خشونت‌آمیز علیه زنان بودند و معیارهای مدنظر پژوهش را داشتند، برای نمونه انتخاب شد. نتایج نشان داد که زنان بیشتر در معرض خشونت غیرجنسی قرار گرفته‌اند و بعد از آن به ترتیب خشونت جنسی و خشونت برون‌خط قرار دارد. از بین پیام‌های خشونت‌آمیز غیرجنسی علیه زنان، بیشترین خشونت مربوط به خشونت عاطفی و روانی بوده است. از میان انواع خشونت جنسی علیه زنان در کانال‌های تلگرامی استان اردبیل، قرار گرفتن در معرض خشونت هرزگی محض از سوی مردان بیشتر جلوه دارد و از نظر خشونت برون‌خط در کانال‌های تلگرامی، بیشترین فراوانی مربوط به تهدید به تجاوز به عنف است.

عبداللهی‌نژاد و مجلسی (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان خشونت کلامی در فضای مجازی؛ مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی انجام داده‌اند. در گام نخست، صفحات پرتعدادی که تا زمان آغاز این پژوهش بیش از یک میلیون دنبال‌کننده داشتند، شناسایی شد. این صفحات متعلق به ۱۹ سلبریتی هنری در داخل ایران است. پس از آن، اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان این صفحات از منظر خشونت کلامی مورد مطالعه قرار گرفت. در این پژوهش از نظریه‌های ادب از براون و لوینسون (۱۹۷۸) و (۱۹۸۷) و بی‌ادبی کلامی از کالپیر (۲۰۱۱) که با محوریت وجهه، ذیل نظریه نمایشی گافمن قرار می‌گیرند، استفاده شده است. برای انجام پژوهش از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. سرانجام، با تحلیل حدود ۱۵۰۰ اظهارنظر (کامنت) که حاوی خشونت کلامی بودند، اشباع نظری حاصل شد و تعداد ۹ مضمون فراگیر با عنوان زندگی شخصی، جایگاه و مقام حرفه‌ای هنرمند، آسایش و رفاه، جنسی، جنسیت، سیاست، مذهب، قومیت و اصل و نسب و دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی استخراج شدند. پس از این مرحله، شبکه مضامین فراگیر به عنوان الگوهای اصلی و پرتکرار داده‌های متنی، ترسیم و همچنین پیش از

آن در جداول نه گانه دو سطح دیگر مضامین یعنی تعداد مضامین پایه و سازمان‌دهنده آورده، توصیف و تحلیل شد.

عادلہ اشراقی کارگر و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان مزاحمت سایبری در بین زنان و مردان: بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام انجام داده‌اند. در این پژوهش پس از استخراج پارامترهای مزاحمت سایبری، پرسشنامه‌ای آنلاین تهیه شده است و تجزیه و تحلیل‌های مختلفی بر روی داده‌ها صورت گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین مزاحمت سایبری و جنسیت وجود دارد.

همت پور و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان شناسایی و تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در فضای سایبر (مورد مطالعه: زنان ۲۰-۴۵ ساله شهر تهران) و با روش پیمایشی انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که مشارکت اجتماعی زنان و دل‌بستگی خانوادگی خشونت علیه زنان در فضای سایبر را کاهش می‌دهد و با افزایش اعتیاد آنلاین، خشونت افزایش می‌یابد و هم‌نوایی در گروه‌های سایبری در صورت اعتیاد آنلاین در خشونت علیه زنان تأثیرگذار است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن است متغیر مشارکت اجتماعی بیش از دیگر متغیرها بر خشونت علیه زنان تأثیر دارد.

ماینک ماندل و همکاران (۲۰۱۸) به مطالعه شبکه‌های اجتماعی به عنوان ارتباط ارزان‌قیمت پرداخته است که اجازه می‌دهد هر کسی برای انتشار مطالب و با هر محتوایی در آن حضور داشته باشد. با این حال، پتانسیل شبکه‌های اجتماعی فضای گفتمان‌هایی را فراهم می‌کند مضر به گروه‌های خاصی از مردم است. نمونه‌هایی از این گفتگوها شامل قلدری، محتوای توهین‌آمیز و سخنان نفرت‌انگیز است. او به مطالعه شبکه زمزمه و تویتر مطالعه پرداخته است و فرم‌های گفتاری نفرت‌انگیز و معرفی مجموعه‌ای از الگوهای مهم برای درک وسیع‌تر از سخن گفتن نفرت‌انگیز و ارائه راهکارهای پیشگیری و تشخیص آن برآمده است. این گروه‌های خاص ممکن است اقلیت زنان نسبت به خودشان باشد چیزی که من به دنبال آن هستم، قلدری، محتوای توهین‌آمیز و خشونت که منجر به سکوت می‌شود.

استیال و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی را تحت عنوان «بازنمایی رسانه‌ای از خشونت علیه زنان» انجام داده‌اند. در این پژوهش قدرت رسانه‌ها را مورد بررسی قرار گرفته است تا افکار عمومی را درباره خشونت علیه زنان تقویت یا تغییر دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا تصاویر رسانه‌ای درباره این موضوع حاوی پیام‌های محافظه‌کارانه هستند که از طریق روکش «عینیت» با استفاده از روایت‌های ساده‌شده ارتباط برقرار می‌کنند. بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که رسانه‌ها خشونت خانوادگی، تجاوز جنسی و آزار و اذیت جنسی بازنمایی نمی‌کنند و پوشش خبری نمی‌دهند. این درک فمینیستی و منعکس‌کننده تسلط مردانه و جنسیت‌گرایی در رسانه‌ها است. در حالی که اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، فعالان و دیگران قادرند با به چالش کشیدن اسطوره‌ها و کلیشه‌ها، انجمن‌های جدید علیه تداوم خشونت علیه زنان ایجاد کنند. مشارکت مداوم با رسانه‌ها برای اطمینان از درک جامعه از خشونت علیه زنان و آسیب‌دیدگی رسانه‌ها ضروری است.

همان‌طور که در پیشینه مقاله اشاره شد، درباره شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی انجام گرفته است و در ارتباط با زنان نیز مطالعات زیادی در مورد خشونت علیه زنان انجام گرفته است؛ اما پژوهش مرتبط با نفرت‌پراکنی در شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایران انجام نشده است. تحقیقات پیشینی اگرچه امکانات نظری فراوانی پیش پای مقاله حاضر قرار داده است، اما در سه قلمرو مکانی، زمانی و موضوعی با مقاله حاضر تفاوت دارد. تحقیق حاضر از این جهت که به بررسی نشانه‌ها و گفتمان نفرت‌پراکنی می‌پردازد کاملاً دارای نوآوری است به‌ویژه اینکه نفرت‌پراکنی مورد مطالعه نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان است. بازده زمانی تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۹ است و مکان اجرای تحقیق در شبکه اجتماعی اینستاگرام ایران ۱۳۹۹ است.

۳. مرور نظری

اهمیت سنتز نظری بین کنش متقابل نمادین گافمن و نظریه گفتمان توسط هاکینگ (۲۰۱۱) اشاره شده است. هاکینگ معتقد است این دو نظریه مکمل یکدیگرند و برای بهره‌برداری بهتر از مفهوم گفتمان و کنش متقابل نمادین باید بین این دو قرار گرفت. او

تحلیل گفتمان را تحقیقی از «بالا به پایین» می‌داند که تمامی مکاتب اندیشه را هدف قرار داده است و نظریه گافمن را تحقیقی از «پایین به بالا» می‌نامد که با ورود افراد به روابط اجتماعی یا کناره‌گیری از آن مرتبط است. از نظر هاکینگ، گافمن هم درگیر گفتمان بود؛ گافمن با رویکرد نمایشی که افراد در زندگی روزمره خود شکل می‌گیرد، اجرا می‌کنند و معنا می‌یابد. وی معتقد است خودی که در کنش‌های متقابل زندگی روزمره در نقش‌های گوناگون خلق می‌شود بسیار آسیب‌پذیر است و بنابراین برای محافظت از خود و اجراهای آن در زندگی روزمره مدیریت تأثیرگذار را مطرح می‌کند (گافمن، ۱۹۹۵: ۲۵۲-۲۵۳). در تعاملات اجتماعی فرد فقط به کلمات توجه نمی‌کرد بلکه لحن، لهجه، زبان بدن، حالات، برداشتها و سکوت‌ها نیز مورد تحلیل قرار می‌گرفت. برای گافمن اهمیت داشت که افراد چگونه یکدیگر را شکل داده، خود را تعریف کرده و یکدیگر را بر اساس این تعاملات درک می‌کنند. هاکینگ این روش را «پایین به بالا» می‌نامد چون معتقد است ما ابتدا با تعاملات رو درروی افراد آغاز می‌کنیم و اهمیت دارد که این تعاملات چگونه زندگی ما را می‌سازند. روش گفتمان اما از «بالا به پایین» است چون نقطه آغاز آن گزاره‌ها معنایی است که در شرایط مکانی و زمانی خاص مبادله شده و یک صورت‌بندی گفتمانی را شکل می‌دهد و خود را از انسان‌هایی که آن گزاره‌ها را مطرح می‌کنند، جدا می‌کند. درواقع به‌طور خلاصه صورت‌بندی‌های گفتمانی در بالا و کنش‌های متقابل انسانی در پایین قرار گرفته است (آقایی، ۱۳۹۷).

اما آنچه از نظر هاکینگ کاستی نظریه گفتمان است، شناخت نسبت به این موضوع است که صورت‌بندی‌های مختلف گفتمانی چگونه تبدیل به بخشی از زندگی افراد عادی می‌شود؟ و یا اینکه چطور این صورت‌بندی‌ها نهادینه شده است؟ و کاستی نظریه گافمن این است که توضیح نمی‌دهد چطور کنش‌های متقابل اجتماعی صورت‌بندی‌های گفتمانی و نهادها را شکل می‌دهند؟ اینکه ما چگونه به نهاد‌های این‌چنینی رسیده‌ایم؟ درواقع مفهوم گفتمان مشخص می‌کند که محیط‌های تاریخی چگونه روی مردم تأثیر می‌گذارند اما هرگز نشان نمی‌دهد که این فرآیند چگونه در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. گافمن این

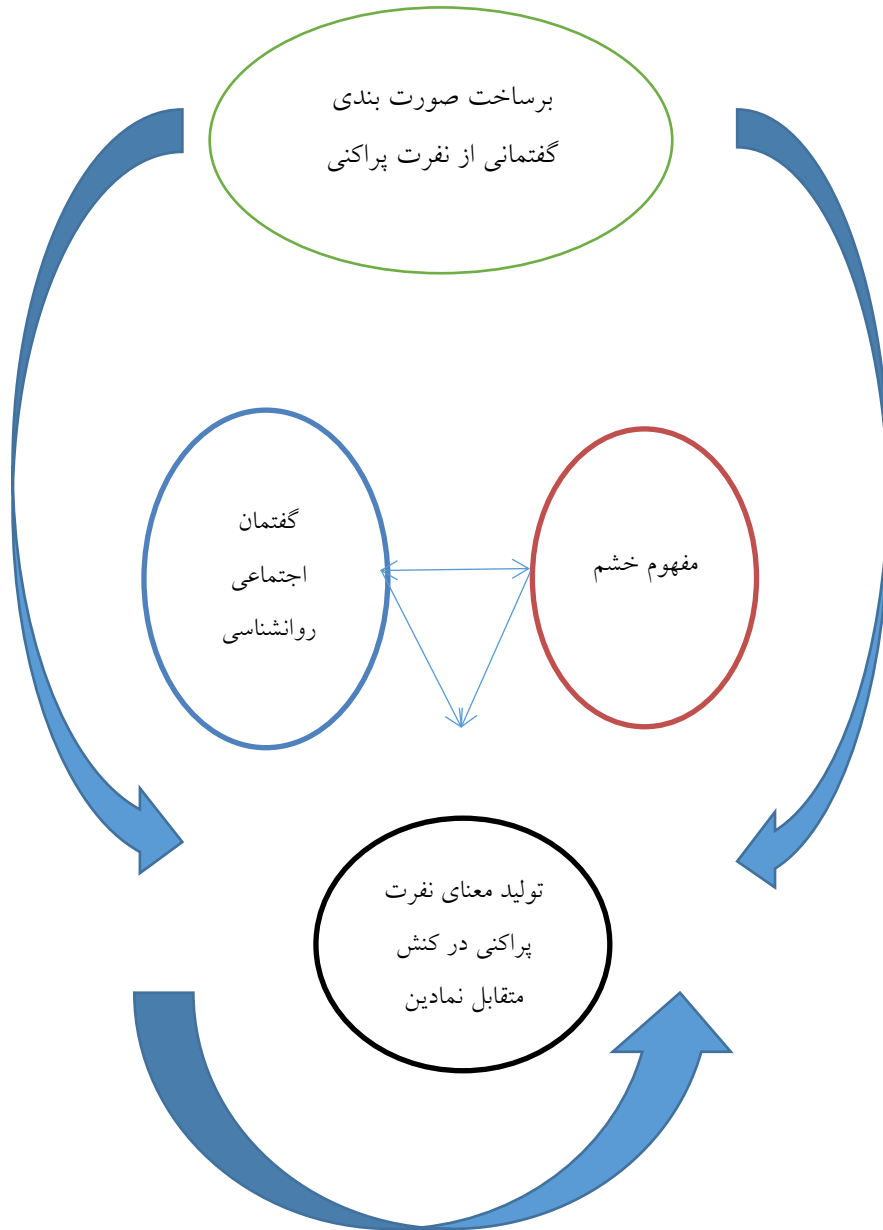
کار را به‌طور دقیق انجام می‌دهد اما هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند که ساختارهای پیرامون افراد در جامعه چگونه شکل گرفته‌اند.

کنش متقابل نمادین بیان می‌کند که افراد با هم ارتباط دارند و موجب ساختن عمل یکدیگر می‌شوند. برای شناخت افرادی که روزه‌روز در یک ساختار فرهنگی و نهادی موجود ساخته می‌شوند، ضروری است. کنش متقابل نمادین روش مناسبی برای درک این موضوع است که نقش‌های یک فرد و حالات زندگی او چگونه پدید می‌آیند؛ اما آنچه گافمن کاملاً حذف کرده و برای تکمیل آن باید به نظریه گفتمان رجوع کنیم این سؤال است که کدام‌یک از گفتمان‌ها به‌عنوان بخشی از تفکر طبیعی ما در نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرند؛ یعنی اینکه نهادهای اجتماعی و معناهای ارائه‌شده در جامعه به‌عنوان بخشی از نظم طبیعی هستند یا نظمی که توسط انسان‌ها بر ساخت شده است. گفتمان روشی در اختیار ما قرار می‌دهد که بر اساس آن‌ها می‌توانیم درک کنیم که چه چیزی گفته می‌شود، چه چیز ساخته می‌شود و اینکه چه چیز با معنا است؛ اما هیچ مسیری را نشان نمی‌دهد برای آنکه یک نفر در زندگی روزمره چگونه موفق می‌شود تا آن ممکن‌ها و غیرممکن‌ها را در بخشی از وجود خود بگنجاند. برای رسیدن به این موضوع باید سراغ گافمن برویم. به این شکل است که می‌توان سنتزی بین نظریه گفتمان و کنش متقابل نمادین ایجاد کرد.

درواقع، در سنتز نظری این تحقیق بر ساخت معنایی از طریق قدرت گفتمانی در پیوند با تولید معنای اجتماعی «نمایش» در کنش متقابل نمادین قرار می‌گیرد. در سطح گفتمانی آنچه اهمیت دارد قدرت گفتمان در تثبیت معنایی از خشم است و در سطح کنش متقابل نمادین معنایی از خشم مورد توجه است که در زندگی روزمره افراد جامعه و در کنش متقابل بین آنان تولید و به‌عنوان «وجهه» (که ما در این مقاله به خود تعبیر می‌کنم) خشونت بازتولید می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر آن معنایی که در سطح خرد کنش متقابل اجتماعی تولید می‌شود، در سطح کلان گفتمان‌های مسلط اجتماعی توسط نهادهای قدرت بازتولید شده و در همین چرخه، آن معنای گفتمانی در سطح کلان از خشم که توسط گفتمان‌ها بر ساخت می‌شود، در سطح کنش‌های متقابل و در زندگی روزمره افراد جامعه مجدداً تولید می‌شود.

برای فهم برساخت گفتمانی معنای خشم ناگزیر از فهم «وجهه» در کنش متقابل افراد جامعه و برای فهم این وجهه اگر نقش قدرت‌های گفتمانی را نادیده بگیریم مسئله را کامل فهم نکرده‌ایم. در این بین اینستاگرام به عنوان فضایی که معانی در آن تولید و بازتولید می‌شود در سطح گفتمانی مورد نظر مورد توجه قرار گرفته است. فضایی ارتباطاتی که در آن موجب تقویت برخی از مفاهیم و معانی گفتمانی است.

اما برای روشن تر کردن این وضعیت گفتمانی از مفهوم «بی‌ادبی کلامی» کالپیر (۲۰۱۱) کمک می‌گیریم که ارتباط ناگسستگی میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی را مورد توجه قرار گیرد. مفهوم بی‌ادبی کلامی نشان می‌دهد چگونه برساخت گفتمانی و بی‌ادبی ناشی از نفرت پراکنی و خشم امکان کنترل و سکوت کاربران را ممکن می‌کند. در نهایت برای نشان دادن حذف یا سکوت کاربران در فضای مجازی در جهت تقویت گفتمان خشم، رویکرد ارتباطاتی - روانشناسی - اجتماعی (انسان‌گرا) و رویارویی آن با رویکرد روانشناسی اجتماعی را در سنتز نظری تحقیق وارد می‌شود تا روشن گردد نفرت پراکنی و خشم تحت تأثیر برساخت‌های اجتماعی است و برای آموزش، پیشگیری، عدم ترویج باید به شرایط اجتماعی و فرهنگی توجه کرد و آموزش داد (Culpeper, 2011: 394).



شکل ۱. سنتز نظری برای تحلیل گفتمان نفرت پراکنی در فضای مجازی

همان‌طور که در شکل شماره (۱) نشان دادم، برساخت معنایی صورت‌بندی‌های گفتمانی از خشم در سطح گفتمان و سطح کنش متقابل نمادین اتفاق می‌افتد. در این بین اما

مفهوم «خود» و «نفرت پراکنی» به ما کمک می‌کند پیامدهای این برساخت معنایی را تحلیل کنم.

۴. روش تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق در تلاش است تا به‌طور مشخص به بررسی صورت‌بندی گفتمان خشونت و نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام بپردازد و بر مبنای نظریه‌ی ون‌دایک و تکمله‌هایی از نظریه کنش متقابل گافمن، ساختارهای سیستماتیک هژمونی احتمالی جاری در این گفتمان را استخراج کند، نیاز به ارائه‌ی روشی برای تحلیل این گفتمان وجود دارد. این پژوهش، رویکرد کاربردی ون‌دایک را برای تحلیل گفتمان ملاک قرار داده است. البته در شرایط بهتری می‌توان از تلفیق دو رهیافت فرکلاف ون‌دایک برای تحلیل و بررسی متون خبری استفاده کرد، اما چون ون‌دایک یک طرح مشخص و مناسب در تحلیل متون اینستاگرام ارائه کرده، در این تحقیق ترجیح داده شد که از الگوی تحلیلی وی استفاده شود.

در چنین روشی در مطالعه فرهنگ‌ها، رسانه‌ها و متون، محقق تصمیم دارد که رابطه بین متن، مؤلف و خواننده را مشخص سازد و سپس نتیجه گیرد که چه عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چه زمینه‌هایی در تولید گفتمان تأثیر دارند. در این روش، تحلیلگر باید بتواند از بافت متن (ساختار و شکل)، فراتر رود و وارد بافت موقعیتی متن (ابعاد و شرایط ایدئولوژیک) گردد و آن را تحلیل کند. در واقع، روش تحلیل گفتمان تلاش می‌کند که بیان‌کننده معانی نهفته در ذهن مؤلف متن باشد. در این روش، پرسش تحقیق به نحوه ایجاد واقعیت اجتماعی در قالب گفتمان مرتبط به فرآیندها با موضوعات خاص تمرکز دارد (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۶۳)؛ بنابراین با توجه به اینکه هدف ما در این تحقیق، بررسی ایدئولوژی‌های موجود در متون مربوط به تولید گفتمان نفرت پراکنی زنان علیه زنان بوده است و همچنین این نکته که تصمیم داشته‌ایم که متون کامنت‌های اینستاگرام را به‌عنوان یک گفتمان رسانه‌ای مستقل بررسی کنیم، می‌باید از روشی استفاده کنیم تا به ما ابزار تحلیل اجزا و قیاس و استخراج معانی را دهد. جامعه آماری در این تحقیق متون نوشته‌شده

به‌عنوان پست و کامنت‌ها است که در مورد نفرت‌پراکنی است. برای نمونه‌گیری هدفمند ابتدا در اینستاگرام سلبریتی‌ها و زنان فعال که داری فالوور بیش از ۵۰۰۰ هزار بودند را شناسایی کردم.

در گام دوم، با توجه به واحد تحلیلی «پست» در مجموع تقریباً ۵۰۰ پست جمع‌آوری شده است. از میان این ۵۰۰ پست مرتبط، با توجه به واحد ثبت که دارای واژگان توهین‌آمیز حساس بوده است، حدود ۱۰۰ پست تصفیه شده است. از این میان، نزدیک به ۲۰ پست با توجه به طبقه‌بندی‌ای ارائه‌شده در قسمت بعدی مورد کدگذاری قرار گرفته است تا بیش از ۲۰ پست با معیارهای مسئله‌ی اصلی مقاله کدگذاری شده و برای تحلیل انتخاب شده است. با توجه به محدودیت ساختاری مقاله در بخش بعدی به نمونه‌هایی از این پست‌ها و تحلیل گفتمان آن‌ها اقدام می‌شود.

البته ممکن است سلبریتی‌ها و کاربرانی باشند که در لیست نیامده‌اند؛ اما سعی شده است اکثر کاربران و سلبریتی‌ها پوشش داده شود. بعد از مشاهده صفحات و کامنت‌ها و پست‌هایشان، بر اساس آگاهی خود از جمعیت هدف، ماهیت تحقیق و هدف‌های مطالعه نمونه‌هایی را برای انجام این تحقیق مشخص کرده‌ام. در انتخاب سلبریتی‌ها و کاربران دقت شد آن‌هایی انتخاب شوند که مخاطبین بیشتری داشته‌اند و به موضوع خشم و نفرت‌پراکنی به‌طور متمرکزتری اشاره داشتند. همچنین سعی کردم روند گذر زمان را با توجه به زمان کامنت‌ها در نظر داشته باشم. به‌منظور انتخاب مناسب کامنت‌ها و پست‌ها، پس از مطالعه اکتشافی، آن‌ها را با دقت تمام کارشناسان این حوزه انتخاب کرده‌ام. از آنجاکه پست‌ها و کامنت‌های موجود در اینستاگرام بسیار زیاد است و تحلیل و بررسی همه این محتواها در حیطه این تحقیق نیست، از نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند بهره گرفته شده است. با توجه به اینکه هدف این تحقیق گفتمان نفرت‌پراکنی در اینستاگرام است، متن این تحقیق، کامنت‌ها و پست‌های اینستاگرامی است که مرتبط با زنان هستند.

از دیدگاه نظریه پردازان گفتمان مانند ون دایک، فرکلاف و ... برای نمونه گیری در تحلیل گفتمان داده‌هایی باید انتخاب گردند که بازنمایی کننده خوبی برای گفتمان مورد نظر باشند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

پست‌های انتخاب شده از صفحات اینستاگرامی زنان فعال، با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون دایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. این فرم حاوی ۱۱ کارویژه است. سه کارویژه اول، کاربر تاریخ و عنوان است که گویای اطلاعات شناسه‌ای متن پست‌ها است. سایر کارویژه‌ها که از طریق آن‌ها می‌توان نظام گفتمانی تبلیغاتی حاکم بر پست‌ها و شناسایی نوع انگاره‌سازی آن‌ها در مورد زنان و بازکاوی انگاره‌هایی که آن‌ها از زنان ایرانی و همچنین شناسایی مقولات متنی و درون‌متنی متون را به دست آورد، عبارت‌اند از؛ سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری. پس از استخراج اطلاعات مربوط به هر متن، این اطلاعات پایه اصلی تحلیل فرامتن را تشکیل می‌دهند. متن‌های هر کاربر پس از استخراج مقولات و کارویژه‌های متنی از هر متن، در نهایت تحلیل و تفسیر فرامتنی خواهد شد که این تحلیل به اخذ نتایج اصلی و پاسخگویی به سؤالات تحقیق می‌انجامد.

۵. یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به سؤالات پژوهش که صفحات اینستاگرام - اعم از متن و کامنت و تصویر - در مورد زنان و دختران به چه نوع گفتمان نفرت‌افکنی وابسته هستند و چه گفتمانی را تأیید و تشویق می‌کنند، بررسی متون و کامنت‌های صفحات ۲۰ سلبریتی، روان‌پزشک و فعال حوزه زنان انجام گرفت. با توجه به حجم گسترده متون و کامنت‌ها، در زیر با آوردن چهار نمونه متن و کامنت‌های زیر متن، برای نمونه، به بررسی یافته‌ها می‌پردازیم.

متن (۱):

«چندهمسری»: زن اسباب‌بازی جنسی و ماشین تولیدمثل، مرد دستگاه خودپرداز بانک. زن و مرد اما هر دو قربانی.

مدتیه بازار تشخیص گذاشتن روی زن و مرد این ماجرا داغ شده. مرد، مبتلا به اختلالات جنسی، سادیستیک، خودشیفته و ... زن، مازوخیست، بدون هویت، مایل به حقارت و ...

مشکل آیا زن و مرد این ماجرا هست یا سیستمی که از ابتدای شکل‌گیری ارزش‌ها برای این زن و مرد این سبک و سیاق رو جا انداخته و به‌عنوان ارزش شناسونده؟ مگه ما همه محصول ارزش‌هایی که بهم یاد داده شده نیستیم؟

آنالیز مرد و زن این ماجرا، لایه‌ی بسیار سطحی‌تری هست از لایه‌های اصلی که در شکل‌گیری این شخصیت‌ها و آسیب‌ها نقش داره. اینا صرفاً محصول و نتیجه نهایی هست و ما لازم داریم ریشه‌های اصلی رو ببینیم و بشناسیم تغییر از اونجاست.

اینکه ما زن رو به‌عنوان قربانی این ماجرا ببینیم و مرد را در نقش شیطان، پاک کردن صورت مسئله است. این مرد هم قربانی هست. مردی که ازش فرصت داشتن روان سالم، زندگی سالم و متعادل، رابطه صمیمانه و انسانی و خیلی چیزای دیگه گرفته شده و به جاش صرفاً نقش نان‌آور داده شده. اونم فق تا وقتی پول دربیاره هویت داره. اونم قربانی همون سیستمه.

یادمون نره که ما محصول محیطی هستیم که ارزش‌ها رو به باد داده و ما فقط اونا رو درونی کردیم... یادمون نره تا وقتی مردها و زن‌ها به همین شکل تربیت میشن محصول متفاوتی هم نداریم... یادمون نره تا وقتی که فقر و گشنگی هست، حرف زدن از اخلاقیات بی‌فایده‌ست.

تا زمانی که حرمت انسانی زن از هر نظر به رسمیت شناخته نشه تا زمانی که نگاه برابر از اول تولد به مرد آموزش داده نشه تا زمانی که فقر و مشکلات اقتصادی اولین دلیل ازدواج باشه، وضع همینه که هست و مرد و زنش هم قربانی همین تحجر.

کامنت‌های متن

از میان حجم انبوه کامنت‌های به این متن که بیشتر در راستای تأیید است به دو نمونه که در رد متن نوشته شده است، اشاره می‌شود:

- سلام به نظر من ربط این موضوع به سیستم و ... به مقدار پرت شدن از موضوع هست. تو همین سیستم نابسامان هم بخش اعظم جامعه به این سمت نرفته و اگر بخواهیم همه اخلاقیات رو سیستمی ببینیم پس اونیه که قاتله اونیه دزدی می‌کنه همه همه زاییده یک سیستم، پس هیچ جا فرد مقصر نیست. بنظرم همیشه این طوری استدلال کرد. به قول معروف به جای کار میلنگه.

- خیلی از خانوما خودشون میخوان که دستمال کاغذی دست اجتماع باشن والا تن به همچین خفتی نمی‌دادن... ما مادران به اجتماع آموزش بی‌ارزش بودن زنان رو میدیم. وقتی زن جماعت به هم نوع خودش احترام نمیزاره خوب معلوم هست که این بی‌ارزشی اتفاق میفته. پس کرم از خود درخته.

استخراج اطلاعات متن اول

کاربر (منتشرکننده): ی - ک

تعداد دنبال کنندگان: ۲۰ هزار و ۸۰۰ نفر

تاریخ: پنجشنبه، ۱۲ دی ۱۳۹۸ (۲ ژانویه ۲۰۲۰)

عنوان متن: چندهمسری

واژگان

مثبت: حرمت انسانی - برابری زن و مرد - روان سالم - رابطه صمیمانه - تغییر سیستم.

منفی: سیستم متحجر- زن و مرد قربانی- اسباب‌بازی جنسی- دستگاه خودپرداز- اختلالات جنسی- سادیستیک- خودشیفته- مازوخیست- بدون هویت- مایل به حقارت- فقر و گرسنگی- قاتل و دزد- بی‌ارزش و دستمال‌کاغذی- کرم از درخت.

افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن

مثبت: تغییر- آموزش ارزش‌های مدرن- فمینیست مثبت.

منفی: سنت‌های متحجرانه- سیستم فاسد- زنان و مردان سنتی.

قطب‌بندی (غیرسازی)

ارزش‌های منتسب به «خود»: حرمت انسانی- نگاه برابر به زن و مرد- روان سالم- زندگی متعادل- قربانی شدن مرد و زن.

ارزش‌های منتسب به «دیگری»: سیستم فاسد و غیرانسانی- چندهمسری- سنت‌های متحجرانه در ایران- اسباب‌بازی بودن زن- زن خودآزار و مازوخیستی- زن بدون هویت- زن مایل به حقارت- مرد سادیستی و دیگر آزار- مرد اختلالات جنسی.

استناد (ذکرشواهد)

سیستم مردسالارانه متحجرانه ایران.

پیش‌فرض‌ها

سنت‌های متحجرانه در ایران عامل اصلی قربانی شدن مرد و زن ایرانی است. زنان ایرانی خود مایل به حقارت هستند و در خدمت سیستم مردسالارانه هستند و کوچک‌ترین ارزشی برای خود قائل نیستند.

دلالت‌های ضمنی متن

تلقین: متن بر آن است تا زن ایرانی را قربانی قلمداد کنند که این قربانی حاصل از سیستم سنتی و مورد تأکید حاکمیت است. سیستمی که اجازه مطرح‌شدن ارزش‌های انسانی را به

مرد و زن نمی‌دهد و بازتولید خشونت است که مرد و زن را گرفتار کرده است و زندگی متعادل و روان سالم را از زن و مرد گرفته و نتیجه این سیستم نابودی ارزش‌های انسانی و تهی شدن مرد و زن آر حرمت انسانی است.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

متن سعی کرده با نسبت دادن تمامی زشتی‌ها به آموزش سنتی و سیستم مردسالار- از فقر و گرسنگی تا قتل و دزدی- از زنان و مردان ایرانی قربانی بسازد و مخاطبان خود را در بی اراده‌گی، عروسک و حامل بودن زن و مرد، مادران ناآگاه و در خدمت وضع موجود، همراه و یکدل کند.

گزاره‌های اساسی متن

- زنان و مردان ایرانی گرفتار و قربانی سیستم فعلی شده‌اند.
- سیستم سنتی متحجرانه و مردسالارانه است و عامل اصلی تمام بدبختی‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی انسان‌هاست.
- زن و مادر ایرانی در خدمت سیستم است و فرآیند قربانی شدن را بازتولید می‌کند.
- راه‌هایی زن از این سیستم متحجرانه شناختن ریشه‌های نابرابری و آموزش زنان به حقوق و مطالبات مدرن و غربی است.

متن (۲):

«زن اخته نیست، بریزیم بیرون این تفکر که دختر عقل نداره و گول می‌خوره و خودش شعور نداره... درسته که افراد در زندگی‌های امروز به‌خصوص، ممکنه همدیگر رو گول بزنند و از هم سوءاستفاده کنن به هر طریقی و جنسیت هم ملاک نیست.

اما یکسری چیزها رو باید بپذیریم که فرد انتخاب می‌کنه و قدرت تصمیم‌گیری‌اش رو داره و بهش احترام بذاریم.

انقد تا حرف رابطه جنسی شده گفتیم بد و زشته واسه دختر، فقط پسر قدرت جنسی بی‌نهایت داره که فرد باورش شده اخته هست و نمی‌خواد. آگه ام یه وقت بخواد فکر میکنه مورد سوءاستفاده قرار گرفته».

متن بالا در جواب کامنت زیر منتشر شده است:

کامنت: حالا درسته پسرا همش دنبال رابطه جنسیه ولی تو چرا میری خونشون؟

استخراج اطلاعات متن دوم

کاربر (منتشرکننده): ن-ب

معرفی: هر زنی صدایی دارد که می‌تواند جهان را تغییر دهد. نویسنده، دانشجوی روانشناسی، سخنران، فعال زنان.

تعداد دنبال کنندگان: ۴۱ هزار و ۸۰۰ نفر

تاریخ: پنجشنبه، ۲۰ شهریور ۱۳۹۹ (۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰)

عنوان متن: برابری جنسیتی

واژگان

مثبت: انتخاب کردن - قدرت تصمیم‌گیری - احترام گذاشتن - قدرت جنسی مردان - رابطه جنسی.

منفی: اختگی زنان - بی‌عقلی زنان - بی‌شعوری زنان - گول خوردن زنان - سوءاستفاده کردن از زنان.

افراد و نهادهای مطرح شده در متن

مثبت: تغییر باورها و سنت‌ها - فمینیست مثبت - برابری جنسیتی.

منفی: سنت‌های غلط - سیستم مردسالارانه - زنان سنتی.

قطب‌بندی (غیرسازی)

ارزش‌های منتسب به «خود»: زنان باشعور و آگاه - نگاه برابر جنسیتی به زن و مرد.

ارزش‌های منتسب به «دیگری»: مازوخیست زنان- ابزار شدن.

استناد (ذکر شواهد)

تجاوز به زنان.

پیش‌فرض‌ها

زنان جامعه ایرانی در نقش دیگری و عامل اصلی نگاه فرودستی به خود هستند. این پیش‌فرض در قالب واژگانی چون اختگی، بی‌شعوری و قربانی مطرح شده است.

دلالت‌های ضمنی متن

متن بر آن است تا علیه نگاه سنتی به زنان آشوبی برپا نماید که زن هم به اندازه مرد میل جنسی دارد و حق انتخاب دارد. در این نوع نگاه تجاوز واژه‌ای است که زنان را در موقعیت فرودست قرار می‌دهد و این کلیشه که زن قربانی است و ضعیف و بی‌شعور و اخته است را رد می‌کند.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

متن با مطرح نمودن قدرت اختیار، انتخاب و تصمیم‌گیری سعی کرده از زنان انسان‌هایی آگاه بسازد که میل جنسی در زنان به مانند مردان دو طرفه است و لذت جنسی تحفه‌ای است که زنان باید با قدرت در پی آن باشند و در این اقدام مخاطب را همراه و یکدل می‌کند.

گزاره‌های اساسی متن

- رابطه جنسی، رابطه‌ای دو طرفه و آگاهانه از سوی دو طرف است.
- زن ایرانی در خدمت سیستم است و فرآیند مظلومیت و فرودستی زنان را بازتولید می‌کند.

- راه‌هایی زن از این سیستم سنتی غلط تغییر باورهای زنان نسبت به رابطه جنسی است و از لذت بردن این نوع رابطه است که زنان دیگر اخته، بی‌شعور، ضعیف و گول‌خورده نیستند.

- زن موجود ضعیف و قربانی نیست.

متن (۳):

زیاد پیش می‌آید پرسند/پرسیم چرا در تاریخ زنان پیش‌رو دانشمند، فیلسوف، نقاش، نویسنده، موسیقی‌دان، فیلم‌ساز و ... تأثیرگذار زیادی وجود ندارد. جواب واضح است.

قرن‌ها به زن‌ها گفته شده‌اند: احمق، ضعیف، ترسو، کم‌عقل و ناتوان‌اند و به دنیا آمده‌اند تا مطلوب مردی باشند و باردار شوند و محصول بدهند و به جمعیت خانواده و قوم اضافه کنند.

زنانی که ازشان انتظار می‌رفت/می‌رود همه‌ی عمر به چگونه زنده نگه‌داشتن فرزند و چگونه در مشیت نگه‌داشتن شوهر و چگونه پاک نگه‌داشتن منزل و چگونه سیر نگه‌داشتن شکم فکر کنند، چه طور می‌توانستند چیزی با ارزش و رای‌ج‌تری تنگ‌شان خلق کنند و صدای درونشان را به گوش کسی برسانند؟

هر روز به دختران مان بگوییم قوی و باهوش‌اند و لحظه‌های عمرشان با ارزش است و باید شجاعت خطر و تجربه کردن و آموختن داشته باشند. بگذاریم قد بکشند و جعبه را سوراخ کنند. آن بیرون، جهان وسیعی برای زندگی کردن است.

استخراج اطلاعات متن سوم

کاربر (منتشرکننده): الف-۱

معرفی: برای ورود به این صفحه تخیل و حس شوخ طبعی خود را فعال کنید.

تعداد دنبال کنندگان: ۳۹ هزار و ۴۰۰ نفر

تاریخ: پنجشنبه، ۲۰ تیر ۱۳۹۹ (۱۰ جولای ۲۰۲۰)

عنوان متن:

واژگان

مثبت: زنان پیشرو دانشمند، فیلسوف، نقاش، نویسنده، موسیقی‌دان، فیلم‌ساز و ...

تأثیرگذار، قوی و باهوش، شجاع

منفی: زنان احمق، ضعیف، ترسو، کم‌عقل و ناتوان، مطلوب مرد، باردار، مادر بودن،

خانه‌داری.

افراد و نهادهای مطرح شده در متن

مثبت: زن فیلسوف، نقاش، نویسنده، موسیقی‌دان، فیلم‌ساز

منفی: مادر، خانه‌دار، باردار، شوهر

قطب‌بندی (غیرسازی)

ارزش‌های منتسب به «خود»: زنان باشعور و شجاع، زنان دربند، زنان مظلوم

ارزش‌های منتسب به «دیگری»: شوهران ظالم، مادران ترسو، مادر خانه‌دار

استناد (ذکر شواهد)

تاریخ مردسالارانه

پیش‌فرض‌ها

تاریخ زنان در شرایط نابرابر محروم و توسط نظام ظالمانه و مردسالارانه از حضور در جامعه جهت بروز خلاقیت و توانایی‌هایشان بوده‌اند گویی گرفتار در قفس و جعبه‌ای به نام خانه و خانه‌داری قرار گرفته‌اند. راه‌حل‌رهایی از وضع موجود قوی و آگاه شدن زنان و برچیده کردن قفس و جعبه مادر بودن است.

دلالت‌های ضمنی متن

متن بر آن است تا موقعیت فرادستی زنان و عدم حضور زنان تأثیرگذار در تاریخ را در سرکوب زنان در نظام مردسالارانه و گرفتار شدن در نقش مادر بودن ریشه‌یابی کند.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

متن با طرد نقش مادر بودن و تربیت فرزندان و شوهرداری سعی دارد مخاطب جامعه زنان را با خود همراه کند که تنها راه موفقیت‌ها و بروز استعداد‌های زنان و تاریخ‌مند شدن آن‌ها حضور در جامعه و برچیدن نظام خانه و خانواده است.

گزاره‌های اساسی متن

- مردسالاری و نگاه داشتن زن‌ها در خانه باعث شده است که زنان کمتر در خط مقدم هنر و دانش حضور داشته باشند.

- مادر بودن و شوهرداری زهری است که باعث سرکوب زن ایرانی می‌شود.

- راه شکوفایی زن ایرانی در بستر حضور برابر در جامعه نهفته است.

متن (۴):

خیلی وقت‌ها می‌بینم این کتاب را در لیست کتاب‌های فمینیستی معرفی می‌کنند. یکی دو سال پیش، در صفحه دیگری مفصل راجع به این کتاب نوشته بودم و حالا فقط مختصر می‌نویسم که اشاره‌ای باشد.

کتاب همان‌طور که از اسمش پیداست در خدمت و خیانت زنان است: پر از سرفصل‌های جذاب دهن‌پرکن، عنوان‌هایی مثل «ازدواج، توهم

یک ضرورت»، «گهواره‌ای که همراه ویران می‌شود» و «در خدمت و خیانت زنان»؛ اما در خط به خط کتاب ما با تعریفی از زن روبه‌رو هستیم که کروموزوم افسرده و زیبایی هیستریک دارد و دچار جنون ماهانه و یاس یائسگی می‌شود. این کتاب، زنان را پسرخواه و دخترگریز معرفی می‌کند و به جای پرداختن به ساختاری که زن را چنین می‌کند، می‌گوید زن این خشم ناشی از دختر بودن فرزندش را به پدر و باقی خویشاوندان منتقل می‌کند.

در صفحه هفتادونه، نویسنده در پرداخت به موضوع خشونت خانگی، می‌گوید «زن در بیشتر موارد سهمی قابل تأمل دارد». کمی جلوتر نویسنده می‌گوید بنا به دلایل تاریخی، صمیمیت و رفاقت در واقعی‌ترین و متعادل‌ترین شکل میان دو زن تحقق نمی‌یابد (ص ۱۰۰) اما زن‌ها مهمانی‌های زنانه راه می‌اندازند تا محفلی برای خودستایی و دیگرستایی متقابل باشد (ص ۱۰۱).

هر چه به آخر کتاب نزدیک می‌شویم زن میان‌سالی را می‌بینیم پر از ملال و بدخلقی و ناتوانی و یاس، با آشیانه‌ای خالی درگیر روزمرگی در جهانی که هیچ چیزی برای این زن پیر ندارد و نهایتاً خودش را در کارهای خانه غرق زوال و تزلزل می‌کند. تکرار استفاده از واژه پیردختر یا تأکید بر هوای چهل چهلی مردانه در برابر این زن یائسه چهل‌ساله خیلی در ذوق زننده است. کتاب می‌گوید مرد چهل‌ساله تغییر چندانی در قابلیت جنسی خود نمی‌بیند و باز هم یادش می‌رود به دلایل این موضوع بپردازد.

به‌عنوان کسی که زمینه تخصصی‌اش این موضوعات است، ناچار بودم این چند خط را بنویسم که دوستان کتاب‌خوان، بدانند اگر دنبال کتاب فمینیستی هستند، این کتاب فمینیستی نیست. مهم است که بدانند زمان و هزینه و توجه خود را در چه راهی صرف می‌کنند. درنهایت، ممکن است

من اشتباه کنم، اما شما لطفاً خواهشاً قبل از خریدن هر کتابی مفصل بررسی کنید.

استخراج اطلاعات متن چهارم

کاربر (منتشرکننده): ا-ن

معرفی: دانشجوی دکترای ادبیات- رو رومان‌های عاشقانه ایرانی کار می‌کنم- یه وقتایی فارسی تدریس می‌کنم.

تعداد دنبال کنندگان: ۶۴۶۱ نفر

تاریخ انتشار: یکشنبه، ۱۴ تیر ۱۳۹۸ (۷ جولای ۲۰۱۹)

عنوان متن: معرفی و نقد کتاب «در خدمت و خیانت زنان: گفتارهایی درباره زنان»، نویسنده شهلا زرلکی.

واژگان

مثبت: کتاب فمینیستی، سرفصل‌های جذاب دهن پرکن، قابلیت جنسی، خدمت زنان، صمیمیت و رفاقت دو زن.

منفی: کروموزوم افسرده، زیبایی هیستریک، جنون ماهانه، یاس یائسگی، زنان پسرخواه و دخترگریز، خشونت خانگی، زن میان‌سالی پر از ملال و بدخلقی و ناتوانی و یاس، آشیانه‌ای خالی درگیر روزمرگی، زن پیر غرق زوال و تزلزل، خیانت زنان، خودستایی و دیگرستایی

افراد و نهادهای مطرح شده در متن

مثبت: زن فمینیست

منفی: زن خانه‌دار میان‌سال، مادر بودن، زنان خائن، سیستم مردسالارانه

قطب‌بندی (غیرسازی)

ارزش‌های منتسب به «خود»: فمینیست

ارزش‌های منتسب به «دیگری»: زن یائسه، زن افسره، زن پسر دوست، زن دختر گریز

استناد (ذکرشواهد)

ارجاع به سرفصل‌های کتاب مثل «ازدواج، توهم یک ضرورت»، «گهواره‌ای که هرماه ویران می‌شود» و «در خدمت و خیانت زنان».

پیش‌فرض‌ها

نویسنده کتاب در خیانت به زنان و در خدمت نظام مردسالارانه قلم‌فرسایی کرده است.

دلالت‌های ضمنی متن

عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

متن با نقد کتاب در پی آرمان‌های فمینیستی است و کتاب را به نوعی خیانت به این آرمان‌ها می‌داند.

گزاره‌های اساسی متن

- زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند.
- فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است.
- باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری که تجربه شخصی نویسنده بوده را به‌عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کند.
- نویسنده کتاب، نویسنده ضد زن است.

۱-۵. تحلیل اطلاعات متن‌ها و فرامتن آن‌ها

عمده واژگان مثبت متون بررسی شده در صفحات ایستاگرام زنان فعال، حرمت انسانی، آموزه‌های فمینیستی و برابری زن و مرد، تغییر سیستم مردسالاری، انتخاب کردن و قدرت تصمیم‌گیری از سوی زنان، قابلیت جنسی و زنان تأثیرگذار، قوی و باهوش، شجاع بوده است. واژگان منفی این متون نیز عمدتاً حول محورهایی چون خیانت زنان، سیستم متحجرانه و مردسالارانه، زنان اخته و هیستریک، نقش مادری و خانه‌داری و شوهرداری، زنان پسرخواه بوده است. افراد و نهادهای مثبتی که مطرح شده‌اند، به‌طور عمده، زنان فمینیست، زنان تأثیرگذار و تاریخ‌ساز، زنان مجرد و ارزش‌های مدرنیته بوده‌اند. پست‌های منتشرشده این صفحات، «خود» را در تعبیری چون زنان آگاه فارغ از سنت‌های دست و پاگیر، مظلوم و مملوء از خلاقیت و نبوغ مطرح کرده‌اند و «دیگری» را با تعبیری مانند تفکر متحجرانه و سنتی، خانواده دوست و متأهل و احساسات‌مادرانه و خائن به ارزش‌های برابرخواهی و فمینیستی معرفی کرده است. استنادهایی که در این متون شده به ارزش‌های مدرن در تقابل با ارزش‌های سنتی و سرکوب‌گرانه بوده است. عمده پیش‌فرض‌هایی که در پست‌های منتشرشده استنباط شده‌اند بر سنت‌های متحجرانه، زنان ناآگاه و در خدمت نظام مردسالاری، شرایط نابرابر و سرکوب‌خلاقیت و توانایی‌هایی زنان و در نهایت جامعه زنان سنتی و شوهرداری و بچه‌داری، متمرکز شده است. متون منتشرشده در روند اطلاع‌رسانی در مورد جایگاه زنان در پی تلقین این مضامین بوده است؛ عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند و زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری را به‌عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کنند. راه شکوفایی زن ایرانی در بستر نفی نهادها و ارزش‌های سنتی حضور برابر در جامعه نهفته است.

با توجه به مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متن‌ها، متن اول با بیان اینکه سیستم سنتی متحجرانه و مردسالارانه عامل اصلی تمام بدبختی‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی انسان‌هاست؛ انگاره‌ای ارتجاعی و دهشت‌وار از ایران ارائه کرده است.

متن دوم، با بیان این ادعا که رابطه جنسی، رابطه‌ای دو طرفه و آگاهانه از سوی دو طرف است و زن موجود ضعیف و قربانی تجاوز نیست؛ از شیوه روانی پنهان‌کاری از طریق حذف استفاده کرده است تا اصل وجودی آزار و اذیت جنسی و ریشه‌های تجاوز را رد کند.

متن سوم، خانه‌داری و نقش مادرانه زنان را باعث سرکوب زنان می‌داند، از این رو از شیوه روانی بحران‌سازی استفاده کرده است، از سویی دیگر، با طرح نمودن این گزاره که راه شکوفایی و خلاقیت زن ایرانی در بستر حضور برابر در جامعه نهفته است، نوعی از شیوه روانی تسری نیز به کار رفته است. متن از این رو گزاره مردسالاری و نگاه داشتن زن‌ها در خانه باعث شده است که زنان کمتر در خط مقدم هنر و دانش حضور داشته باشند، عرضه کرده است.

متن چهارم، با بیان اینکه خیانت زنان پایبندی به ارزش‌های سنتی و اعتقاد به تفاوت‌های روانی و جنسیتی تفکری خائنانه است که از سوی زنان بازتولید می‌شود، شیوه روانی برجسب زدن استفاده کرده است. به دیگر بیان، تشکیل خانواده عامل سرکوب زنان است. تنها راه‌هایی از وضع موجود فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی است و هر نگاهی غیر از این خیانت است.

۵-۲. گفتمان‌هایی منجر به نفرت پراکنی برخی از زنان بر علیه زنان

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و به تاسی از یافته‌های تحقیق جریان‌های اصلی حوزه زنان و گفتمان‌های مطرح شده و پنهان در لابه‌لای پست‌ها و کامنت‌های کاربران زن ارائه خواهد شد.

۵-۲-۱. جریان غیردینی و سیاسی

در نخستین دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، به دلیل درگیری کشور با مسائل و مشکلات فراوان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ناشی از تغییر نظام از یک سو مسائل و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر، زمینه مناسب اجتماعی برای طرح مسائل

خاص زنان وجود نداشت و به همین دلیل نیز گروه‌ها و جریان‌ها ویژه‌ای که صرفاً دغدغه پرداختن به این‌گونه مسائل را داشت، در کشور شکل نگرفت؛ البته ناگفته نماند که در همان یکی دو سال نخست پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های متعددی با شعار دفاع از حقوق زنان شکل گرفتند که عمدتاً وابسته به گروه‌های چپ مارکسیستی بودند و به دلیل بیگانگی با باورها و ارزش‌های زن ایرانی و همچنین نداشتن درکی درست از جامعه زنان ایران، با همان سرعتی که به وجود آمدند، از میان رفتند. جریان سیاسی یکی از جریان‌ها جنبش زنان بعد از انقلاب اسلامی است. شاخصه اصلی این طیف آن‌گونه که از بین نوشته‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها مطرح می‌شود این است که، حکومت اسلامی را مهم‌ترین منابع دستیابی زنان به حقوق خود می‌شمارد و مهم‌ترین اقدام را در رهایی زنان، مقابله با نظام اسلامی می‌دانند. طیف سیاسی فمینیسم سکولار را می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد: الف) شاخه اول ماهیتی فمینیستی و زنانه دارد؛ ب) شاخه دوم به لحاظ ماهیت، فمینیستی نیست بلکه نگاهی ابرازی به فمینیسم دارد. در واقع، فعالان قسم دوم، برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران وارد فعالیت‌های فمینیستی شده‌اند. حقوق زنان مسئله اصلی این شاخه نیست بلکه مخالفت با جمهوری اسلامی ایران انگیزه اصلی فعالیت‌های فمینیستی است.

فمینیست‌های سیاسی معتقدند: از آنجا که رسیدن زنان به حقوق خود جز از طریق مبارزه با دولت‌ها امکان‌پذیر نیست، بنابراین، آزادی امری سیاسی است. با توجه به این پیش‌فرض، از نگاه فمینیست‌های سیاسی ایرانی نیز مبارزه با نظام جمهوری اسلامی در جهت تغییر آن، تنها راهکار رهایی زنان در ایران از فرودستی و رسیدن به آزادی و برابری است: «... اما مهم آن است که تشکل مستقل زنان به‌عنوان یک نهاد صنفی سیاسی اولاً به این امر تأکید نماید که امر سیاسی است. به این دلیل بسیار ساده که زنان در سراسر جهان برای کسب کوچک‌ترین حقوق خود با دولت‌ها و قوانین وضع شده از سوی آن‌ها هستند. یک نمونه بارز آن، مبارزه برای حق آزادی پوشش و یا تغییر قوانین در جمهوری اسلامی است» (شفیعی، ۱۳۸۶: ۶۱).

در این دیدگاه، دین اسلام از جمله عواملی دانسته می‌شود که مردسالاری و جنسیت‌گرایی را نهادینه می‌کند و به‌طور کلی، سبب تقویت انقیاد و تبعیض می‌شود. از این‌رو، آن‌ها معتقدند اسلام و فمینیسم قابل جمع نیستند. همان‌طور که بیان شد، فمینیست‌های سیاسی معتقد به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی برای رسیدن به آزادی زنان هستند. در این دیدگاه، حکومت اسلامی ایران زن‌ستیز دانسته می‌شود و مبارزه با آن از مسائل عمده جریان فمینیسم تلقی می‌شود.

جریان غیردینی در عمل از موضعی هماهنگ با جریان سیاسی برخوردار است. شاید بتوان تنها تفاوت کلیدی آن‌ها را در این دانست که جریان سیاسی با انگیزه مخالفت با جمهوری اسلامی به بحث درباره حقوق و مسائل زنان می‌پردازد در حالی که جریان غیردینی، مخالفت با نظام را به انگیزه دفاع از حقوق زنان انجام می‌شود (کار، ۱۳۸۷: ۱۸).

جریان سیاسی هدف اصلی را مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند و معتقدند امر رهایی زن، امری سیاسی است؛ چراکه زنان برای رسیدن به حقوق خود راهی جز مبارزه با دولت‌ها ندارند. از طرفی دیگر، شاخه سکولار، دین اسلام را علت اصلی تبعیض و نابرابری‌های زنان در ایران می‌دانند و خواهان برقراری سکولاریسم در جامعه هستند. هر دو شاخه این جریان در ارتباط با مسائل زنان، موضع مشابهی دارند و خواهان برابری کامل زن و مرد در جامعه هستند، در نتیجه یافته‌های تحقیق با گفتمان نفرت‌پراکنی مربوط به جریان‌های غیردینی مبنی بر اینکه جریان غیر اسلامی در ارتباط با مسائل زنان به عرفی‌سازی کامل قوانین، حاکمیت سکولاریسم در جامعه، آزادی و برابری کامل زنان در عرصه عمومی تأکید دارد، سازگار است.



شکل ۲. مؤلفه‌های نفرت پراکنی زن سیاسی و غیردینی

۲-۲-۵. جریان‌های دینی

جریان دینی که در میان پست‌ها و کامنت‌های کاربران زن نمایان است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) جریان نواندیشی دینی، ب) جریان محافظه‌کار.

- جریان نواندیشی دینی

این گروه در مواضع خود، اسلام و فقه را به‌عنوان مرجع پاسخگویی و حل مسائل زنان به رسمیت شناختند و با این نگاه، از جریان غیردینی متمایز می‌شوند؛ اما انتظار آنان از فقه این است که خود را با زمانه هماهنگ کند. تفسیری که در آثار این گروه‌ها از هماهنگی فقه

با تحولات ارائه می‌شود، آنان را در موقعیت فرعی و اجتماعی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که رسالت فقه را تأیید یافته‌های عصر جدید می‌داند و نه هدایت و سمت دهی به امور اجتماعی (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). جریان نواندیشی دینی از منظر جدیدی به مقوله‌هایی از قبیل حقوق مدنی، آزادی، حقوق زنان می‌نگرند. نواندیشی دینی، در ارائه برنامه‌ها و راهکارهای عملی برای حل معضلات جامعه، از جمله مسائل مربوط به حقوق زنان، تنها به چارچوب آموزه‌های دینی مراجعه نمی‌کند و معتقد است که دین به تنهایی نمی‌تواند در این حوزه راهگشا باشد. از نظر آن‌ها، احکام اجتماعی اسلام متناسب با عصر پیامبر و سرزمین عربستان تشریح شده و در عصر جدید در صورتی قابل اجراست که مبتنی بر عدالت باشد. احکام حقوقی مربوط به زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

درواقع، از نظر این جریان، قوانینی که مربوط به حقوق زن در اسلام است، به‌ویژه قوانین مربوط به خانواده، باید مورد بازخوانی قرار گیرد و به گونه‌ای تفسیر شود که با اصل برابری هماهنگ باشد. به عبارتی دیگر، این جریان، خواهان تجدیدنظر در قوانین و ساختار جامعه هستند و معتقدند که جامعه ایران سال‌ها تحت سلطه نظام مردسالاری بوده و لازمه دگرگونی، اصلاح قوانین و دیدگاه فرهنگی جامعه است. این گروه، درون‌مایه مذهبی دارند و بعضی قوانین و ارزش‌های موجود در جامعه را مطابق با دستورات اسلامی نمی‌دانند و درخواست اصلاح دارند. آنان خواستار برابری انسان‌ها و عدالت اجتماعی میان زن و مرد هستند و تغییر در قوانین مربوط به حقوق ارث، دیه، حق شهادت در محاکم، حضانت طفل و حق طلاق را طالب‌اند؛ همچنین خواستار استفاده از امتیازات اجتماعی، مانند حضور در پست‌های سازمانی و مدیریتی، دست‌مزد برابر زنان با مردان در شرایط یکسان کار و آموزش و حضور در عرصه‌های مختلفی که بیشتر در اختیار مردان است، هستند. از نگاه طرفداران این طیف، حضور اجتماعی زنان در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. به طوری که با هر آنچه از حضور اجتماعی زنان کم‌کند، به مخالفت برمی‌خیزند؛ مخالفت با طرح افزایش مرخصی‌های زایمان، مخالفت با تک‌جنسی کردن دانشگاه‌ها، مخالفت با سهمیه‌بندی دانشجویان در کنکور، مخالفت با افزایش تولیدمثل، مخالفت با طرح تفکیک

جنسیتی در محل کار و کاهش ساعات کار زنان و نمونه متأخرتر آن مخالفت با حذف دختران از جلد کتاب ریاضی سوم دبستان از جمله مواردی است که این جریان آن را کاهش حضور اجتماعی زنان می‌پندارد.



شکل ۳. مؤلفه‌های نفرت پراکنی زن نواندیش دینی

- جریان دینی محافظه کار

این جریان بر این اعتقاد است که تشابه حقوق زن و مرد منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی این دو جنس توجه داشت، راه برطرف کردن مشکلات و نابسامانی‌های موجود در زمینه حقوق زنان، نه در حذف و تغییر قوانین اسلامی، بلکه در

شناخت درست این قوانین و تلاش برای اجرای صحیح آن است (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۴). این دیدگاه در تحلیل مسائل جدید زنان بر تأکید ثبات شریعت، شناسایی موضوعات مستحدثه و تأثیر زمان و مکان بر موضوعات فقهی را مدنظر قرار می‌دهد و بر این اعتقاد است که بدون نیاز به تحول در اجتهاد می‌توان با کارشناسی از مسائل زنان و تحقیق در منابع اسلامی، حکم مسئله را متناسب با زمان و مکان استنباط کرد.

این جریان معتقد است که ایده دفاع از حقوق زنان لزوماً به معنای فمینیسم بودن این ایده نیست. چون فمینیسم جنبشی با اصول و مبانی خاص است که در شرایط اجتماعی و فرهنگی غرب پدیدار شده است که این شرایط در ایران متفاوت است. این جریان در دو شاخه محافظه‌کاری و نواندیشی دینی تقسیم می‌شوند. جریان‌های دینی از این نظر که، با نگاهی دینی به بیان حقوق زنان و موضع‌گیری درباره آن می‌پردازند و همگی خود را مدافع نظام اسلامی و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب می‌دانند، مشترک‌اند؛ اما در جزئیات و فروع با هم تفاوت دارند. جریان‌های دینی محافظه‌کار، در دفاع از حقوق زنان، بر لزوم مبانی و اصول اسلامی در مطالبات زنان تأکید می‌کنند و معتقدند می‌توان با تحقیق در منابع اسلامی، حکم مسئله زنان را متناسب با نیازهای زمان استنباط کرد. آن‌ها بر اساس همین نگرش به موضع‌گیری در ارتباط با مسائل زنان می‌پردازند. به‌زعم آنان تشابه حقوق زن و مرد منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس توجه و قوانین منبعث از آن توجه کرد. می‌توان این‌گونه بیان کرد که چون به نظر آنان اولویت با حضور زن در خانواده است نه حضور زن در جامعه، در نتیجه چنین تفکری باید گفت آنان بیش از اینکه، مطالبات خاص جنسیتی را مورد توجه قرار دهند، مطالباتی را پیگیری می‌کنند که در راستای حفظ و تحکیم خانواده است. در مقابل، شاخه دیگر جریان دینی یعنی نواندیشی دینی، در عین پایبندی به موازین اسلامی خواهان تجدیدنظر در قوانین و حقوق مربوط به زنان با توجه به ظرفیت دین اسلام هستند. آنان با توجه به پویایی فقه شیعه، از روش‌شناسی اجتهاد و تفسیر قرآن به دنبال چاره‌جویی برای رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های زنان در جامعه هستند. در نتیجه یافته‌های تحقیق با مسئله مربوط به جریان دینی مبنی بر اینکه، جریان‌ات

اسلامی در ارتباط با مسائل زنان، بر لزوم رعایت کامل محکمت‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطابق با شرع اسلام همراه با تطبیق و تحول متشابهات دینی با مسائل و تغییرات روز تأکید دارند، سازگار در آمد.



شکل ۴. مؤلفه‌های نفرت پراکنی زن طیف محافظه کار

جدول ۱. درون‌مایه ابعاد نفرت پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

گفتمان‌های نسبت داده به زنان (درون‌مایه کامنت‌ها)		
واژگان	مثبت	حرمت انسانی، آموزه‌های فمینیستی و برابری زن و مرد، تغییر سیستم مردسالاری، انتخاب کردن و قدرت تصمیم‌گیری از سوی زنان، قابلیت جنسی و زنان تأثیرگذار، قوی و باهوش، شجاع
	مثبت	خیانت زنان، سیستم متحجرانه و مردسالارانه، زنان اخته و هیستریک، نقش مادری و خانه‌داری و شوهرداری، زنان پسرخواه
افراد و نهادها	منفی	زنان فمینیست، زنان تأثیرگذار و تاریخ‌ساز، زنان مجرد و ارزش‌های مدرنیته، زن فیلسوف، زن نقاش، زن نویسنده، زن موسیقیدان، زن فیلم‌ساز.
	منفی	مادر، زن خانه‌دار، زن باردار، شوهر، سنت‌های غلط، سیستم مردسالارانه، زنان سنتی، سنت‌های متحجرانه، سیستم فاسد، زنان و مردان سنتی
ارزش‌ها	خود	زنان آگاه فارغ از سنت‌های دست و پاگیر، مظلوم و مملو از خلاقیت و نبوغ
	دیگری	تفکر متحجرانه و سنتی، خانواده‌دوست و متأهل و احساسات مادرانه و خائن به ارزش‌های برابر خواهی و فمینیستی
پیش‌فرض	سنت‌های متحجرانه، زنان ناآگاه و در خدمت نظام مردسالاری، شرایط نابرابر و سرکوب خلاقیت و توانایی‌هایی زنان و در نهایت جامعه زنان سنتی و شوهرداری و بچه‌داری	
تلقین	عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند و زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری را به عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کنند. راه شکوفایی زن ایرانی در بستر نفی نهادها و ارزش‌های سنتی حضور برابر در جامعه نهفته است.	
انگاره‌ها	شیوه روانی ارتجاعی و دهشت‌وار- شیوه روانی پنهان‌کاری از طریق حذف- شیوه روانی بحران‌سازی- شیوه روانی برجسب زدن	

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل گفتمان صفحات اینستاگرامی زنان فعال نشان از این واقعیت داشت که تولید، مصرف و بازنشر پست‌ها توسط کاربران فرآیندی آگاهانه است و بر مبنای کنش هدفمند انجام گرفته است. چنین فرآیندی در گام اول بر تولید و انتشار محتوایی برای آگاه‌سازی زنان علیه وضع موجود مردسالارانه و علیه نگاه زن سنتی متمرکز است. به تاسی از گلیردونه، می‌توان به ابعاد سه‌گانه خشونت حاوی محتوای ترویج

کننده تبعیض، نفرت یا خشونت در متن‌های منتشرشده دست یافت. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری که زنان خانه‌دار آن‌ها را نمایندگی می‌کنند به‌عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کند. متن‌های تحلیل‌شده حاکی از نوعی از فمینیست علیه نقش‌های سنتی زنان است. تبعیض‌ها آشکار می‌شود، نفرت از مادران برجسته و خشونتی نهفته از نظام مردسالارانه در جای‌جای پست‌های بررسی‌شده نمایان است.

باید اذعان داشت که کاربران موردبررسی، از یک‌سو تحت تأثیر آموزه‌های فمینیستی به‌طور آگاهانه به نفی ارزش‌ها و ایدئولوژی گفتمان مسلط پرداخته و از سوی دیگر مورد هجمه مردان و زنان سنتی قرار می‌گیرند که به بازتولید گفتمان مسلط می‌پردازند. پست‌های منتشرشده به نفی باورهای موجود به زنان منجر شده است و مقاومتی درخشان را رقم زده است که به برابری جنسی دست یابند. برابری که حمله به ارزش‌های سنتی و نهادهای چون خانواده متجلی شده است؛ اما تقابلی نهفته در این پست‌ها نهفته است به‌ویژه توسط زنان که منجر به همدستی ضمنی آن‌ها در بازتولید نگاه فرودستی به زنان است. زنان نویسنده و زنانی پسر دوست که ناآگاهانه دست به نوعی خشونت نمادین علیه هم‌جنس خود می‌زنند. بوردیو خشونت نمادین را نوعی از خشونت می‌داند که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آن‌ها اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن را اعمال می‌کنند، انجام می‌شود، زیرا هر دو گروه، برای اعمال آن آگاهی ندارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۵). بر مبنای نظریه خشونت نمادین بوردیو، بازتولید نگاه سنتی به زنان این سؤال را ایجاد می‌کند که «کشگران برخوردار از قالب‌های دریافتی و ادراکی خاص، چگونه دستورات درون یک موقعیت یا یک گفتار را درک کرده و از آن‌ها اطاعت می‌کنند. به عبارتی افراد به چه درکی از نقش‌های سنتی رسیده‌اند که به بازتولید آن پرداخته و ارزش‌های موجود در آن‌ها، به‌طور ضمنی موردحمایت قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه پست‌های بررسی‌شده حاکی از سه نوع خشونت است: علیه تبعیض و نظام مردسالاری، علیه نهاد خانواده و نقش سنتی زنان، تخریب ارزش‌های سنتی و تلاش برای شکستن قفس سنت‌ها رستگاری به سمت ارزش‌های فمینیستی و مدرن.

در برآیند کلی مطالعه گفتمان صفحات مورد بررسی، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع پست‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. زن باید در جامعه حضور داشته باشد. حضور زن در جامعه منتج به آگاهی زنانه می‌شود. برابری جنسیتی رخ خواهد داد. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان، دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است که اغلب در قالب هویت‌هایی تحجر، ضد انسانیت، اختلالات جنسی، چندهمسری، تبعیض تاریخی و... تصویر می‌شوند.

منابع

- اشراقی سامانی، عادلّه و کارگر، محمد جواد (۱۳۹۶). مزاحمت سایبری در بین زنان و مردان: بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام. *دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری*، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان.
- آقایی، عاطفه (۱۳۹۷). شناسایی و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولیدات سینمایی اچ.آی.وی. /ایدز، دانشگاه تهران.
- بورديو، پیر (۱۳۹۰). درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، (ترجمه ناصر فکوهی)، تهران: فرهنگ جاوید.
- بیچرانلو، عبدالله، صلواتیان، سیاوش، لاجوردی، آرزیتا (۱۳۹۷). بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در اینستاگرام. *نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۱۱۲-۱۴۰.
- جعفری، زینب؛ جعفری، علی و فرامرزبان، سعید (۱۳۹۹). تحلیل محتوای پیام‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در کانال‌های تلگرامی استان اردبیل. *فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*. دوره ۸، شماره ۱: ۴۵-۷۱.
- حسنی، حسین و کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۶). تحلیل پدیدار شناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران، *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، دوره ۱۸، شماره ۴۰، صص ۳۲-۶۳.
- عبداللهی نژاد، علیرضا، مجلسی، نوشین (۱۳۹۷). خشونت کلامی مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی، *فصلنامه مطالعات نوین*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱-۶۱.
- فلیک، اوه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، (ترجمه هادی جلیلی)، تهران: نشر نی.
- کیانی، مژده (۱۳۹۸). هویت جنسیتی کاربران شبکه‌های اجتماعی؛ تحلیل گفتمان کامنت‌های کاربران شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*. شماره ۲۰، صص ۱۴۹-۱۷۷.
- ون‌دایک تئون ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان- از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی* (ترجمه گروه مترجمان) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (نشر اثر اصلی بی‌تا).

همت پور، بهاره و محسنی، رضا علی (۱۳۹۶). شناسایی و تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در فضای سایبر. فصلنامه پژوهش‌نامه زنان. دوره ۸، شماره ۴: ۱۰۵-۱۳۱.

- Delgado, R. & Stefancic, J. (2004). *Understanding words that wound*. Boulder. Westview Press.
- Easteal, Patricia, Holland, Kate, Judd, Keziah (2016). *Enduring themes and silences in media portrayals of violence against women*, Women's Studies International Forum, 48:103-113.
- Gagliardone, I; & Gal, D & Alves, T & Martinez, G (2015). *Countering Online Hate Speech: Unesco Series On Internet Freedom*, United Nations Education, Scientific & Cultural Organization.
- Goffman, E. (1995). *On Face- Wor: An Analysis of Ritual Elements in Social interaction*. Psychiatry Interpersonal and Biological Process. 18(3): 213-231.
- Mondal, M. Silva, L. A. Correa, D. & Benevenuto, F (2018). *Characterizing usage of explicit hate expressions in social media*. New Review of Hypermedia and Multimedia, 24(2): 110-130.
- Zizek, S. (2008). *Violence six Side way Reflections*. New York: Picador

